

جایگاه عقل در اندیشه اسلامی

معصومه استقلال^۱

چکیده

عقل به عنوان یکی از مصادر تشریع همواره مورد تایید و توجه دین قرار گرفته است. از سوی دیگر علاوه بر وجود جایگاه آن در دین در عرصه های مختلف قانونگذاری و بینشی مورد تاکید است. عقل در شریعت، مخاطب و تکلیف و عامل اهلیت انسان برای مسئول بودن در قبال انتخاب های خویش است. تکلیف از عهده ی کسی که فاقد عقل باشد، ساقط خواهد شد. در واقع ارتباط دین و عقل بر مبنای عقلانی بودن وحی شکل می گیرد.

عقل در شرع، پس از قرآن و سنت موثق نبوی، یکی از منابع قانون گذاری است. فعالیت عقلی در چارچوب کتاب و سنت، سبب رشد و تعالی بشر می گردد. افزون بر آن ، عقل، ابزار ما برای اجرای فرمان الهی درباره ی شناخت خدا در آفرینش است. در این پژوهش جایگاه ارتباطی دین و عقل مورد واکاوی و بررسی است

کلید واژه: عقل، کمال، انسان.

^۱. معصومه استقلال، طلبه پایه پنجم، مدرسه علمیه معصومیه شیراز

مقدمه

جایگاه عقل و محدوده دخالت آن در حوزه امور شرعی از پیچیده ترین مسائل در حوزه پژوهش های دینی است و اغلب به علت تنقیح و تبیین نشدن منزلت آن در اظهار نظرها افراط و تفریط رخ داده است. در آیات و روایات نیز بر نقش عقل در هدایت انسان تاکید فراوانی شده است. در میان مذاهب اسلامی، در خصوص روایی یا ناروایی دخالت دادن عقل در مسائل دینی دیدگاههای متفاوتی مطرح است. پرسش مقدم عقل بر نقل (یا عکس آن) با اینکه از گذشته محل بحث بوده هنوز هم طراوت خود را از دست نداده است. در عقاید شیعی بسیار رفیع است و در فقه یکی از منابع اجتهاد محسوب می شود ولی مکتب سلفیه و به تبع آن آلبانی. اصالت را بر نقل داده اند و برای عقل ارزش چندانی قائل نشده است از آنجا که بحث عقل یکی از بحث های مهم در بین متکلمان است لذا در این پژوهش مساله دین و عقل، ماهیت عقل از دیدگاه اسلام، نحوه نقش آفرینی عقل در معرفت دینی، عقل، میزان شناخت دین، ابزار شناخت دین، منبع شناخت دین، تفاوت تعقل با بناء عقلاء و رابطه شرع و عقل و نقل می پردازد و در ادامه عقل عامل وحدت معرفی می گردد و آثار عقلانیت مورد بررسی قرار می گیرد.

۱- دانش واژه عقل

مفهوم شناسی عقل

مفهوم لغوی

عقل واژه ای است که مبنای اصلی آن در لغت عرب: منع، نهی، حبس و امساک است.^۱

عقل انسان را از این رو عقل نامیده اند که او را از جهل و کردار و گفتار زشت و انحراف منع کرده و غرایز و تمایلات او را در کنترل می کند و غضب و شهوت سرکشش را به بند می کشد.^۲

عقل قوه تشخیص امور صالح از فاسد در زندگی مادی و معنوی ضابط و حابس نفس براساس این شناخت است.^۳

معنای اصطلاحی

^۱ ابی القاسم الحسین ابن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ج ۲، انتشارات دارالاحیاء التراث العربی، ۵۵۰۲، ص ۳۵۵.

^۲ محمد عوض معرب، معجم مقائیس اللغة، ج ۴، انتشارات دارالاحیاء التراث العربی، ۳۹۵، ص ۶۹.

^۳ حسن مصطفوی، التحقیق کلمات القرآن کریم، ج ۲، انتشارات مرکز نشر سرای سعادت، ۱۳۹۵، ص ۱۹۵.

عقل قوه ای است در انسان که به وسیله آن خیر و شر و حق و باطل را از یکدیگر تشخیص می دهد. در مقابل این عقل، جنون سفاهت حماقت و جهل قرار دارد. او را کافی که انسان دارد و آن ها را در درون پذیرفته و با آنها پیمان قلبی بسته است. عقل نامیده اند.^۱

۲- مساله عقل و دین

ابتدا به روش ساختن و مقصود خود از دین و عقل پرداخته می شد مراد دو مقصود از دین این است که دین عبارت است از کتاب، سنت ارکان و اصول و فروع دین یا مجموعه گزاره های مقدس و پیش فرض ها و لوازم آن که جا مانده از مرکز یا مراجع فوق سوال است و با روش شناسی تاریخی مورد تایید قرار گرفته است^۲ و عقل: در تعریف روشن و گویایی از آن مورد توجه قرار گرفته است این تعریف اگرچه با معنای لغوی عقل (بستن و محدود کردن) فاصله دارد لیکن به روشنی بیانگر منظور و مراد این نوشتار از واژه عقل است عقل مجموعه از علوم و معارف است که از راههای عادی اکتساب علم و معرفت یعنی از راه حس و تجربه تفکر و استقلال و نقل تاریخی روشمندان حاصل آمده است این مجموعه علوم و معارف بنا به تعریف بر اساس روش شناسی علوم تجربی و علوم ریاضی، منطقی، فلسفی و علوم نقلی تاریخی و نقادی تصویب شده اند. بر این اساس آنچه عقلانیت می نامیم معنای ویژه ای می یابد. وقتی گفته می شود کسی عقلانی زندگی می کند به این معنا است که او سعی دارد تا بر اساس معنای عقل و عقاید خود را سازمان و نظام بخشد.^۳

۳- ماهیت عقل از دیدگاه اسلام

نقش ناطقه انسان یعنی همان چیزی که مایه انسانیت انسان و سبب تفاوت ها و تمایز انسان از غیر انسان است که دو قوه عالمه و عامله دارد که به قوه عالمه عقل نظری و به قوه عامله عقل عملی گفته می شود عقل نظری نظر به عالم بالا یعنی عالم غیر عادی و مجردات دارد ولی عقل عملی نظریه بدن انسان در زندگی مادی و دنیایی تدبیر می شود.

بوسیله آن بین رفتار خوب و پسندیده و رفتار بد و ناپسند تمییز داده می شود. چه بخوریم و چگونه، چه بپوشیم و چگونه، چه بگوییم و چگونه نیز هر عملی که به وسیله ی یکی از اعضای بدن و با اختیار ما انجام می گیرد تحت راهنمایی و هدایت عقلی صورت می گیرد. عقل عملی در تعامل با قوای دیگر انسانی منشاء آثار و دست آوردهای متفاوتی می شود. عقل عملی انسان با مداخله قوه باعته (یعنی شهویه و غضبیه) موجب بروز عواطف و انفعالات خاص انسانی از قبیل گریه، خنده، خجالت و حیا می شود. عقل عملی با مشارکت قوه متخیله و واهمه

^۱ علامه محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۲، انتشارات موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۳۰م، ص ۲۴۷۰

^۲ عبدالکریم سروش، قبض و بسط تفریک شریعت، انتشارات موسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۵، ص ۲۵۵.

^۳ مصطفی ملکیان و جمعی از دوستان، دفاع عقلانی از دین در نظرخواهی از دانشوران، فصلنامه نقد و نظر، ۱۳۷۴، ص ۱۰۴.

منشاء فنون، حرفه و صناعی می شود که بشر برای پیش برد زندگی خود آنها را طراحی میکند در اثر تعامل عقل عملی با عقل نظری مشورات عقل عملی یعنی آرامی کلی ای که در باب حسن و قبح اشیاء مطرح است مانند ظلم قبیح است و عدالت حسن است شکل می گیرد. بنابراین عقل عملی از یک سو ابزار معرفت های ارزشی و اخلاقی و حکمت عملی است و از سوی دیگر ابزار علمی است.^۱

عقل عالی ترین نعمتی است که خدای بزرگ به انسان عنایت فرموده و تمام امتیاز انسان نسبت به سایر موجودات به عقل اوست عقل نوری است الهی، حقیقی است ربانی، وجودی است روحانی، چراغی است نورانی، و راه گشای تمام خیرات به روی آنان، انسان به عقل و عقل آراسته به انسان و آدمیت است. به عقل گیرنده قواعد تربیت گویند و عقل در خط عبارت و عبودیت هست. عقل خورشید مملکت وجود بهترین مایه وجود پرواز دهنده انسان در غیب و شهود و بالاترین علت برای صعود در پیشگاه حضرت است.^۲

مفسران المنار در بازگویی سرگذشت دینی بشر، اسلام را دین عقل و فکر معرفی می کنند و می گویند بشر دین را جز معارفی از حوزه عقل و تدبیر نمی دانست تا بدان هنگام که محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله و سلم) به پیامبری برانگیخته شد تا آیات خداوند را بر مردمان بخواند و کتاب و حکمت را به آنان تعلیم دهد و آنان را از گمراهی آشکاری که بدان مبتلا بودند برهاند و دین خدا، اسلام را به آنان عرضه کند، دین فطرت، عقل، فکر برهان و حجیت

از نظر قرآن در آیات متعددی خود را به تعقل و تدبر دعوت می کند فهم بسیاری از آیاتش را نیز به اهل تفکر منحصر می نماید مفسران المنار تقلید در دین را باطل دانسته و آن را نکوهش می کنند.^۳

۴- نحوه نقش آفرینی عقل در معرفت دینی

یکی از مسائلی که باید مورد توجه قرار گیرد نحوه نقش آفرین عقل در شناخت معارف است در این زمینه بایستی توجه داشت که عقل در شناخت معارف یک منبع مستقل است یا اینکه تنها ابراز برای شناخت محسوب می شود. این نکته باید مورد توجه قرار گیرد که عقل همچون ظواهر الفاظ قرآن و سنت از احکام الهی پرده بر می دارد و به نوعی کاشف از حکم الهی است و به تنهایی سهم ارشادی در شناخت معارف ایفا می کند نه مولوی بر این اساس آنچه شایسته امر مولوی است تنها خداوند متعال به عنوان مصدر حقیقی اصلی تشریع است و عقل و قرآن و سنت تنها بیان کننده و پرده بردار از احکام و معارف هستند و خود مصدر تشریع و معارف دینی به شمار نمی روند.

^۱ یارعلی کرد فیروزجایی، مباحث معرفت شناختی در فلسفه اسلامی، چاپ اول، انتشارات پژوهشگاه و حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳، ص ۸۳.

^۲ حسین انصاریان، عرفان اسلامی، جلد دوم، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۲۸۱.

^۳ شادی نفیسی، عقل گرایی در تفاسیر قرن چهاردهم، چاپ اول، انتشارات دفتر تبلیغاتی اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۰ و ۱۲۱.

به هر حال می توان گفت به طور عمده سه دیدگاه در ارتباط با نحوه نقش آفرینی عقل در شناخت معارف دینی وجود دارد که عبارتند از عقل، مصباح بودن عقل و منبع مستقل بودن یا همان مفتاح بودن عقل از نظر ما میزان بودن عقل در همه جا قابل پذیرش نیست. از این رو یک قاعده و اصل محسوب نمی شود نقش مصباحی عقل در شناخت دین که همان ابزار بودن عقل است مورد قبول می باشد. ضمن اینکه منبع مستقل بدن عقل نیز کاملاً توجیح پذیر است در ادامه به تبیین هریک از این نقش ها می پردازیم.^۱

۱-۴- عقل، میزان شناخت دین

شاید بتوان این نوع نگاه را به معتزله منتسب کرد چراکه معتزله به شکلی افراطی معتقد بودند که عقل میزانی برای شناخت محسوب می شود و هرآنچه که با عقل قابل توجیه باشد جزء معارف دین و آنچه که توجیه عقلانی نداشته باشد از دایره احکام و معارف دین خارج است برهمین اساس می توان معارف دین را شناخت و فهمید بی تردید این نگاه افراطی و قابل نقد است؛ زیرا میزان بودن عقل در شناخت دین به این معناست که هرچه مطابق و موافق نبوده عقل از تایید استدلالی آن بر نیامد ناصحیح است و جزء دین به حساب نمی آید از آثار سوء این نگاه افراطی به عقل ارائه تفسیری ناصواب از مسئله خاتمیت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) است چراکه بر اساس این نگاه وقتی عقل انسان کرد و به تکامل رسید دیگر برای ساعات خویش به وحی نیاز ندارد زیرا عقل به تنهایی انسان را به سعادت رهنمون می سازد.^۲

۲-۴- عقل ابزار شناخت دین

عقل در مقام ابزاری خود برای شناخت معارف دین مانند مصباح ایفای نقش می کند. گروههایی چون اشاعره و برخی اخباریون معتقدند عقل تنها یک ابزار برای راهیابی به معارف محسوب می شود بی تردید این نوع نگاه ابزاری صرف به عقل تفریطی است و آثار نامطلوبی بر جای می گذارد و به تفسیر های متحجرانه از دین خواهد انجامید. این امر به راحتی قابل اثبات است که دایره نقش آفرینی عقل در شناخت دین گسترده تر از این نگاه می باشد. عقل در نقش ابزاری خویش برای شناخت یک مصباح محسوب می شود در حقیقت عقل مصباح و چراغ دین و شریعت است. براین اساس کارکرد اراده و علم الهی مبداهستی شناختی دین است به کمک عقل می فهمیم که خداوند چه چیزی را اراده کرده و چه اموری را در مجموع دین قرار داده است یعنی عقل در اثبات اصول دین مانند وجود مبدء، وحدت مبدء، اسماء حسنی مبدء و صفات باهم و با ذات مبدء و ضرورت ارسال پیامبر و انزال کتاب و مانند آن مبادی و مبانی بین و مبین دارد و آن مبانی نباید مورد، آسیب قرار گیرند. عقل در

^۱ میرزا مهدی اصفهانی، ابواب الهدی، تحقیق و تالیف حسین مقید، ج اول، انتشارات منیر، ۱۳۸۷، ص ۷۰.
^۲ عبدالله، جوادی آملی، تنسیم، تحقیق علی السلام، ج اول، چاپ هشتم، انتشارات اسراء، ۱۳۸۸، ص ۵۳.

سطوح مختلف از عقل تجربی گرفته تا عقل نیمه تجربی محض . در صورتی که معرفت یقینی به ارمغان می آورد و می تواند کاشف از احکما باشد و بعد شناختی قوانین دین را در کنار نقل تامین نماید^۱.

۳-۴- عقل منبع شناخت دین

باید توجه داشت که بیشتر علمای اصولی شیعه و گروههایی نظی معتزله ، عقل را در کنار قرآن و سنت یکی از منابع استنباط و شناخت احکام و معارف الهی می دانند چراکه عقل چه در بعد نظری و چه ملی - ادراک بدیهی دارد که به تنهایی آن را انجام می دهد و به احکام و معارف دین شناخت پیدا می کنند و در این راه از چیزی بهره نمی گیرند . حتی از روایاتی که عقل را در کنار پیامبر به عنوان رسول باطنی معرفی می کنند می نوان این گونه برداشت کرد که عقل در کنار نقل یک منبع مستقل برای شناخت محسوب می شود به تعبیر دیگر آنجا که عقل با استدلال و اقامه برهان عقلی صرف به نتایج می رسد نقش یک منبع برای شناخت و فهم دین را ایفا می کند به بین دیگر شاید بتوان گفت عقل منبعی برای ادراک احکام و معارف الهی است. در علم کلام اموری نظیر شناخت خداوند و صفات و افعال او لزوم شکرگزاری منعم. ضرورت تکلیف و بسیاری از امور تنها با عقل اثبات می شود. و در این موارد عقل به عنوان یک منبع مستقل برای شناخت به شمار می آید حال اینجا باید اذعان داشت که مفتاحیت عقل در واقع همان منبعیت عقل است و عقل و ابزاری فقط همان عقل مصباحی است. مفتاح بودن عقل برای دین یعنی همچنانکه پس از گشودن درب گنجینه دین با کلید. آن کلید را کنار می فهمیم و خود بی استعانت از کلید با محتوای دین است. عقل وجود خداوند و ضرورت وحی و ارسال پیامبر را اثبات و حجیت کتاب و سنت را استدلال می کند. و آنگاه کار وی به پایان میرسد و کنار می رود در این هنگام بشر با محتوای دین روبه رو است که از طریق فهم کتاب و سنت باید به آن رسد^۲.

در ادامه باید به دنبال پاسخ این سوال باشیم که جایگاه برهانی عقل کجاست که پیش از نقل یا پس از آن یا همراه با آن است؟ برای پاسخ به این سوال در ابتدا باید دانسته شود که بنای عقلا چه تفاوتی دارد و هم چینی از جهت باید با رابطه عقل با نقل و شرع پرداخت البته به عنوان پیش زمینه باید اشاره کرد که جایگاه برهان عقلی در اصول دین قبل از نقل و در محدوده ی دین همتا و همراه نقل در اصول فقه پس از نقل می باشد^۳.

۳-۴-۱- تفاوت عقل با بنای عقلا

حکم عقل با بنای عقلا متفاوت می باشد زیرا اولاً عقل از اقسام منبع استنباط است و بنای عقلا زیر مجموعه سنت قرار دارد و ثانیاً حکم عقلی از سنخ علم است وی بنای عقلای از صنف عمل و اعتبار و حجیت علم عقلی را

^۱ همان، عبدالله جوادی آملی ص ۵۴.

^۲ همان، ص ۵۵.

^۳ عبدالله، جوادی آملی، دین شناسی، انتشارات آرا، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۱۳۱.

خود او تامین می کند یعنی اگر دلیل عقلی مفید علم یا طمانینه بود علم آن مطلقا حجت است و طمانینه آن نیز در موردی که شارع مقدس اعتبار آن را امضا کند حجت می باشد پس خود دلیل عقلی معیار حجیت را به همراه دارد در تمام مواردی که سخن از هماهنگی عقل و نقل به میان آید مقصود از آن حکم عقل است نه بنای عاقلان. در واقع اعتبار عقل کاملاً از ملاحظات عاقل جداست زیرا عقل و برهان عقلی معصوم است ولی عاقل یعنی حکمی اصولی و فقیه معصوم نیستند و از این رو نمی توان عقلاً، حکماً، متکلمان، فقها و... را با انبیا مقایسه کرد. اما چون عقل معصوم است براهین آن را می توان با مضامین قرآن و روایات ارزیابی نمود گرچه قداست وحی همچنان محفوظ است.^۱

۴-۳-۲- رابطه شرع با عقل و نقل

عقل تجربیدی و تجربی از ادله شرع و زیر مجموعه منابع معرفتی عقاید، اخلاق، فقه و حقوق دینی می باشد و حرمت آن همانند دلیل نقلی محفوظ است و هرگز در برابر دین قرار نمی گیرد تا چنین گفته شود که فلان مطلب عقلی است دینی و همچنین عقلی است یا یا شرعی بلکه دین مجموعه عقاید اخلاق، فقه، حقوق و... می باشد که منبع هستی شناسی آن فقط اراده و علم ازلی خداوند و معرفت شناسی آن عقل و نقل است در واقع می توان اینگونه بیان کرد که عقل و نقل دو بال دین هستند که در مقابل و قسیم یکدیگر می باشند بنابراین چون دلیل عقلی همتای دلیل نقلی، حجت خدا و نیز الهام الهی است اگر کسی با سرمایه عقل به سراغ متون مقدس نقلی برود و چیزی از آن ها استنباط نماید مانند آن کسی است که به کمک آیه ای معنای آیه ی دیگر یا به کمک روایتی معنای آیه ای معلوم شود از این رو هیچ یک از این امور از متون نقلی بیگانه نمی باشد و به همین جهت است که هرگاه برهان عقلی و دلیل معتبر علمی، مطلبی را ثابت کند اگر آن مطلب مخالف اطلاق یا عموم دلیل نقلی مانند آیه قرآن یا حدیث ماثور از معصوم باشد می توان آن دلیل معتبر علمی را مقید یا مختص نبی قرار داد و با آن اطلاق یا عموم دلیل نقلی را تقیید کرد یا تخصیص نمود و با پیمودن سایر راههای شناخته شده در فن اصول فقه، تعارض ابتدایی بین دو دلیل معتبر دینی را ساخت. چنانچه اگر دلیل نقلی قطعی باشد بر دلیل عقلی غیرقطعی مقدم خواهد شد.^۲

۴-۳-۳- عقل عامل وحدت

هرچه انسان به نشئه عقل نزدیک تر می شود کثرت و تشتت در وجود او کمتر و حیثیتش به مقام وحدت نزدیکتر می شود و این مشکل فردی ما می باشد چراکه به دلیل دوری از قلمرو عقل و در درون خود با ناهنجاری ها و پراکندگی های فراوان رو به رو هستیم و از این رو در لحظات کوتاه نماز نیز می توان ضبط و جمع آوری حواس

^۱ عبدالله، جوادی آملی، فلسفه حقوق بشر، چاپ چهارم، انتشارات اسراء، ۱۳۸۳، ص ۴۲.

^۲ عبدالله، جوادی آملی، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، چاپ دوم، انتشارات اسراء، ۱۳۸۶، ص ۷۹.

خویش را نداریم . اگر آدمی به دنبال وحدت درونی خود و اتحاد بیرون با دیگران است به ناچار باید از مرتبه حس و خیال ترقی کرده و به قلمرو عقل وارد شود و تحت باشد چراکه به دلیل دوری از قلمرو عقل وارد شود و تحت فرماندهی آن ، هم عالمانه گزارش های نظری خود را به خدا مربوط سازد و هم عادلانه و صالحانه گرایش های علمی خویش را به مسیر عبودیت حق تعالی بازگرداند و به عبارت دیگر عقل انسانی ، علم و عمل او را عاقل کرده و با بستن دست و پای هوس ، شئون ادراکی و تحریکی انسان سالک را نه تعطیل بلکه تعدیل نماید. کسی که عاقل نیست و با خود متحد نباشد چگونه می تواند عامل اتحاد جامعه باشد . با توجه به مطالبی که ارائه گردید مشخص شد که آنچه در مباحث عقلی بررسی می شود همان عقل است نه بنای عقلاء . چراکه بنای عاقلان از سنخ عمل است نه علم .

تبیین شد آنچه در برابر عقل قرار دارد نقل است که قسیم عقل و همراه آن می باشد و ممکن نیست که عقل در برابر و مقابل شرع دین قرار گیرد و از طرفی نیز بیان شد که صل و خمیرمایه دوری و تشمت و تفرقه عقل است . لذا انسان عاقل هم در ذاتش دارای وحدت و خالی از هرگونه اختلاف و تشمت است و هم می تواند عامل اتحاد جامعه باشد^۱ .

۴-۳-۴- رابطه عقل با دین

واضح است که هیچ یک از متفکران عقل را به طور کامل مردود نمی دانند . مسئله عقل و دین مسلماً دارای ریز مسائل فراوان است که نمی شود به آنها پرداخت . رویکرد تربیتی ما فوق العاده اهمیت دارد زیرا با اعتراف به وجود تعالیم فرد گریز یا فرد ستیز در تعالیم دینی دیگر نمی توان در ارائه و یا آموزش آنها به دنبال عقلانی نمودن آنها رفت با توجه به این رویکردهای مختلفی در توجیه مسائل دینی به وجود می آید از جمله قرینه گرایی که همان عقل گرایی حداکثری است این دیدگاه معتقد است برای اعتقاد به باورهای دین باید دلایل و براهین قاطع کننده داشت و دیگر رویکرد ، رویکرد مصلحت اندیشانه با احتیاط آمیز آنانی که با تبیین های محتاطانه از باورهای دین دفاع می کنند و می گویند برای عقلانی بودن باور انسان به خدا نیازی به داشتن دلیل قاطع نیست و رویکردهای دیگر مانند ایمان گرایی و عقلانیت انتقادی که هریک توضیح بسیاری خواهد داشت که به طول و درازا می انجامد^۲.

^۱ عبدالله، جوادی آملی، دین شناسی چاپ اول ، انتشارات اسراء ، ۱۳۸۱ ، ص ۱۲۷ .

^۲ مایکل پیترسون ، مترجم : احمد نراقی و احمد سلطانی ، عقل و اعتقاد دینی و درآمدی بر فلسفه دین ، انتشارات طرح نو ، ۱۳۸۳ ، ص ۸۶ .

۵- اثر عقلانیت در تکامل دین

انسان برای شناخت شاخص ها و مصادیق زیست معنوی باید از دین و عقل توأمان کمک بگیرد درواقع یک پایه سبک زندگی معنوی را دین تشکیل می دهد و بسیاری از معارف ریشه و حیاتی دارد که اگر کسی آنها را نادیده بگیرد قادر به درک حقایق ماورایی نیست تا دین نباشد صحتب از معنویت ناقص خواهد بود و معنویت به امری تک بعدی تبدیل می شود و دین خطوط قرمز را مشخص می کند که عقل در عین رعایت آنها می تواند از مظاهر زندگی مدرن نیز بهره مند شود و این خطوط قرمز را می توان در ممنوعیت ظلم و تجاوز و تعدی به حقوق دیگران خلاصه کرد و تناقضی میان دین و مدرنیت دانست البته خطوط قرمز دین حداقلی و مطابق با فطرت انسان است یعنی واجبات و محرمات خیلی زیاد نیست و در اسلام بر اباحه و جواز بهمره مندی از نعمت است . علاوه بر دین عظامیت نیز یکی از پایه های معنویت را تشکیل می دهد و فرامین دینی هیچ گاه خلاف عقلانیت نیست و در مواردی که عقل ساکت است و توان اظهار نظر ندارد دین به مساله ورود می کند^۱.

^۱ طباطبایی، محمد حسین، بررسی های اسلامی، دارالتبلیغ اسلامی قم، چاپ اول، ۱۳۹۶، ص ۹۶.

نتیجه گیری

در مقاله حاضر اثبات شد که عقل در اندیشه دین ، حجیت باطنی بوده و حجیت و اعتبار آن در شناخت معارف دینی به حکم خود عقل اثبات شده و شرع نیز موید آن است همچون ظاهر الفاظ قرآن و سنت کشف پرده برداری از حکم و معارف الهی است و خود فاقد شان انشای حکم و اعمال مولویت است.

عقل در شناخت معارف دین هم به عنوان میزان و هم منبع (مفتاح) و هم به عنوان ابزار شناخت نقش ایفا می کند که نقش ابزاری آن به شکل مصباح است یعنی همچون مصباح و چراغ راه پیشرو را نشان می دهد. عقل با تمام قوت خویش در برخی عرصه ها ناکارآمد است و دار محدودیت هایی از جمله عدم ادراک ذات حق تعالی ناتوانی در ادراک جزئیات دینی، ناتوانی در نفس شناسی، ناتوانی در شناخت همه حقایق، عالم، ناتوانی در درک اولیات اخروی و معاد جسمانی ، ناتوانی از انشاء حکم و اعمال مولویت ناتوانی از ملاک و معیار بودن برای دین می باشد. این ناتوانی عقل به دلیل عدم احاطه آن بر برخی حقایق و تعریف ناپذیر منطقی برخی حقایق ، مخلوق بودن خود عقل و عدم توان نفوذ در جزئیات و فروع فقهی و کلامی اخلاقی است.

منابع

کتاب فارسی

- ۱- اصفهانی، میرزامهدی، ابواب الهدی، تحقیق و تالیف حسین مقید، ج اول، انتشارات منیز، ۱۳۸۷.
- ۲- انصاریان، حسین، عرفان اسلامی، جلد دوم، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶.
- ۳- جوادی آملی، عبدالله، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، چاپ دوم، انتشارات اسراء، ۱۳۸۶.
- ۴- -----، عبدالله، تنسیم، تحقیق علی السلام، ج اول، چاپ هشتم، انتشارات اسراء، ۱۳۸۸.
- ۵- -----، دین شناسی چاپ اول، انتشارات اسراء، ۱۳۸۱.
- ۶- -----، فلسفه حقوق بشر، چاپ چهارم، انتشارات اسراء، ۱۳۸۳.
- ۷- سروش، عبدالکریم، قبض و بسط تئریک شریعت، انتشارات موسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۵.
- ۸- طباطبایی، محمد حسین، بررسی های اسلامی، دارالتبلیغ اسلامی قم، چاپ اول، ۱۳۹۶.
- ۹- -----، المیزان، ج ۲، انتشارات موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۹۳ م.
- ۱۰- کرد فیروزجایی، یار علی، مباحث معرفت شناختی در فلسفه اسلامی، چاپ اول، انتشارات پژوهشگاه و حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳.
- ۱۱- مایکل پیترسون، مترجم: احمد نراقی و احمد سلطانی، عقل و اعتقاد دینی و درآمدی بر فلسفه دین، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۳.
- ۱۲- ملکیان، مصطفی و جمعی از دوستان، دفاع عقلانی از دین در نظرخواهی از دانشوران، فصلنامه نقد و نظر، ۱۳۷۴.
- ۱۳- نفیسی، شادی، عقل گرایی در تفاسیر قرن چهاردهم، چاپ اول، انتشارات دفتر تبلیغاتی اسلامی، ۱۳۷۹.

کتاب عربی

- ۱- ابن محمد، ابی القاسم الحسین، المفردات فی غریب القرآن، ج ۲، انتشارات دارالاحیاء التراث العربی، ۵۰۲.
- ۲- عوض معرب، محمد، معجم مقائیس اللغة، ج ۴، انتشارات دارالاحیاء التراث العربی، ۳۹۵ هـ.
- ۳- مصطفوی، حسن، التحقیق کلمات القرآن کریم، ج ۲، انتشارات مرکز نشر سرای سعادت، ۱۳۹۵ هـ.